

نقش دینداری و توجه به آموزه های دینی در ثبات و پایداری خانواده

هانیه عبدی پور ملک آباد^۱

^۱ طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه سجادیه (ع)، bdyyymhrmanh^h@gmail.com

چکیده

همه متخصصان حوزه دین و تعلیم و تربیت بر این باورند که اگر افراد جامعه زندگی خود را برمدار دین و خداآوری قرار دهند، سلامت و سعادت جامعه در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تضمین می‌شود.

هدف این پژوهش، بررسی نقش دین در ثبات و پایداری خانواده است. خانواده‌های مذهبی معمولاً بر اساس اصول و ارزش‌های دینی خود زندگی می‌کنند و به آداب و رسوم خاصی پایبند هستند و در تربیت فرزندان خود، آموزه‌های دینی را در اولویت قرار می‌دهند.

از طرف دیگر، خانواده‌های غیرمذهبی به اصول دینی اعتقادی ندارند و به صورت آزادانه‌تری به مسائل نگاه می‌کنند و بر اساس ارزش‌های انسانی، علمی یا فرهنگی فرزندان خود را تربیت میکنند و به جای آداب و رسوم مذهبی، بر روی تفکر انتقادی و آزادی انتخاب تأکید می‌کنند.

در جهان کنونی، انسان با بحران‌های گوناگون درونی و بیرونی مواجه شده است که مهم‌تر از همه بحران معرفت دینی و بدتر از آن، بحران تربیت دینی است. تنها راه فرار از این بحران‌ها، روی آوردن عمیق و عاشقانه به خویشتن خویش، فطرت اصیل و احساس درونی حقیقت جوست.

کلیدواژه: دینداری، پایداری، خانواده

مقدمه

یکی از دغدغه های جهان امروزی گرمی کانون خانواده و ملندگاری این گرما است. دنیای مدرن، با همه پیشرفت هایش، در مسئله خانواده درمانده است و انسان ها با همه تحصیلات عالیّه خود، نتوانستند از مشکلات سردی روابط در زندگی رهایی یابند؛ چه بسیار افراد تحصیل کرده که زندگی مدرن آن ها، از گرمای زندگی تهی است و چه بسیار افراد عادی که با کمترین امکانات مادی، شیرین ترین زندگی را دارند.

در دنیای مدرن، مفهوم خانواده و روابط خانوادگی، جایگاه اصلی خود را از دست داده و زن و مرد، به صورت قراردادی در زیر یک سقف زندگی می کنند و چه بسیار زندگی های که با شور و حرارت شروع می شود ولی در زمانی کوتاه به سردی رفته و از هم می پاشند. یکی از نهادهای بنیادین حفظ و تربیت نوع انسانی خانواده می باشد که در آن بچه ها با فراگیری ارزش ها و هنجارها و تربیت روانی مناسب برای ایفای نقش مثبت در بزرگسالی آماده می شوند. مهمترین عامل عدم پایداری این نهاد ارزشمند، متارکه یا طلاق می باشد. در هر عصری درصد نسبی طلاق در حد معقولی بود وجود آن ضرری جبران ناپذیری به بنیاد اجتماع وارد نمی ساخته است اما امروزه جامعه انسانی شاهد افزایش روز افزون نرخ طلاق در جامعه می باشد.

این مقاله درصدد آن است با بررسی آیات و روایات به بیان راه حل های اسلام برای ثبات خانواده و اثر آن در پایداری خانواده بپردازد و تفاوت های زندگی خانواده ای دیندار با خانواده ای که در آن به اصول دینی اهمیت داده نمی شود را بیان کند.

اهمیت تحکیم خانواده

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ های گوناگون است تا آنجا که سعادت و شقاوت امت ها، مرهون رشادت و ضلالت خانواده می باشد. اولین شرط داشتن جامعه ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. همه دستاوردهای علمی و هنری بشر در سایه خانواده های سالم و امن پدید آمده است. قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخشی عظیم از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. برخی از سوره قرآن به صورت خاص مسایل خانواده را بیان می کنند؛ مانند سوره های نساء، انسان، تحریم، طلاق و ... اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می کند که پایه گذاران آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پایایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود.

خانواده بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد و اگر افراد نتوانند خانواده را تحکیم بخشند و افرادی بالیمان در آن پرورش دهند، نمی‌توانند جامعه‌ای ایده‌آل برای نسل آینده بسازند و از فرهنگ ایمانی خود جا مانده و به اهداف متعالی خود نمی‌رسند. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «سکونت و آرامش اعضا» است، لازم است که همه رفتارها و تعامل‌ها در راستای تحقق این هدف باشد. پیامبر(ص) فرموده است: «هیچ چیز در نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که در اسلام با ازدواج آباد شود».^۲

تأثیر دین در ابعاد خانواده

دین بر تمام ابعاد خانواده نقش دارد، نگرش اسلام به خانواده بر عکس مکاتب و دیدگاه‌های غیر اسلامی، که نگاهی تک بعدی است، بسیار عمیق و همه جانبه است و تمام ابعاد آن از آغاز تا انتها، در همه مراحل مورد توجه بوده و در هر مورد دستورات لازم ارائه گردیده است. نحله‌های غیر دینی، خانواده را از زاویه خاصی مورد توجه قرار می‌دهند، به ویژه دانش‌های علمی امروز دانشگاه‌ها بر اساس نیاز خود به تجزیه و تحلیل خانواده می‌پردازند و به دیگر ابعاد آن توجه چندانی ندارند.

اما اسلام نگاهی همه جانبه به نهاد خانواده دارد و آن را از زاویه‌های گوناگون مورد توجه قرار داده است. وقتی به متون اسلامی، بخصوص آیات و روایات مراجعه کنیم، در همه زمینه‌ها به دستوراتی برمی‌خوریم که از همه جهات به تحکیم نهاد خانواده پرداخته است. قرآن کریم و احادیث اسلامی در مسائل اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، روان‌شناختی و اقتصادی خانواده فراوان سخن گفته‌اند. اگر این مضامین به صورت دقیق و تخصصی استخراج و با یافته‌های علوم جدید منطبق گردند، تحول عظیمی در دانش خانواده به وجود خواهد آمد.

آن قدر که اسلام به تحکیم بنیان خانواده اهمیت داده و در دستورات خود گام به گام آن را دنبال نموده است، مکتب‌های دیگر به استقرار خانواده بها نداده‌اند. اسلام پیش از همه، می‌خواهد یک فضای عاطفی و محبت‌آمیز در محیط خانواده پدید آید و روابط بین اعضای آن بیش از پیش پایدار گردد.^۳ خانواده‌ای از منظر اسلام خوش بخت است که دوستی، صداقت و وفاداری بر فضای آن حاکم باشد؛ زیرا با اختلاف، بدبینی، و خودمحوری، شیرازه خانواده از هم می‌پاشد. خدای متعال ایجاد محبت و همدلی بین زن و شوهر را از نشانه‌های خود دانسته، می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ

^۲ مشکینی، ۱۳۷۰: ۱۱

^۳ محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۸

بَيْنَكُمْ مَوَدَّةٌ وَ رَحْمَةٌ»^۴ یکی از نشانه های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان بیارامید و میان شما و همسرانتان مودّت و رحمت برقرار ساخت.

«یکی از این نشانه‌های الهی آن است که هر فردی از بشر در برابر خود از نوع خود جفتی می‌یابد تا مسأله توالد و تناسل صورت گیرد و آنها به گونه‌ای آفریده شده‌اند که محتاج یکدیگرند و هر یک با دیگری به کمال خود می‌رسد و این همان میل جنسی است که خداوند آن را در وجود دو نفر به امانت نهاده است»^۵.

از این آیات و روایات استفاده می‌شود که اساس ازدواج یا نکاح که به معنی عمل همخوابگی است، بر همین حقیقت طبیعی است، نه شهوترانی و لذّت‌گیری.

همه احکام مربوط به حجاب، چگونگی انجام عمل همخوابگی و اینکه هر زنی مختص شوهر خویش است و نیز احکام طلاق، عده، اولاد، ارث و نظایر اینها که اسلام در این باره مقرر کرده، پیرامون این حقیقت دور می‌زند و می‌خواهد عمل همخوابگی به صورت بازی انجام نشود: «...اما در قوانین مربوط به روابط جنسی زن و مرد که در تمدن غربی حاضر در جریان است، اساس همخوابی زن و مرد یک نوع اشتراک در عیش است و کاری به زندگی مشترک در درون خانواده ندارد. به همین دلیل، متعرض هیچ یک از احکامی که اسلام درباره بستر زناشویی و فروعات آن وضع کرده نیستند و در آن قوانین، سخنی از عفت، حجاب و اختصاص و امثال آن دیده نمی‌شود»^۶.

اسلام با تشویق به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است، به بُعد فطری انسان پاسخ مثبت می‌دهد و زناشویی را یگانه وسیله پیدایش فرزندان درستکار و حفظ بقای نوع شناخته است و نه تنها مشکلی در سر راه این امر طبیعی ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌خواهد یکی از پایه‌های سعادت آدمی که آرامش روحی، اخلاقی و فکری است نیز در سایه پیوند ازدواج تأمین سازد.

تفاوت های زندگی خانواده ی مذهبی با غیر مذهبی

براساس بینش اسلامی، پیوند میان زن و مرد فراتر از یک غریزه بوده، منشأ فطری و الهی دارد که از سرشت آدمی ناشی می‌شود. دستگاه عظیم خلقت چنان زوجین را به هم علاقه مند ساخته است که حاضرند برای رفاه حال دیگری، رنج و زحمت را به جان خود بخرند تا همسر در آسایش زندگی کند. آفریدگار بشر کاری کرده است که خودخواهی و تکروی در محیط خانواده به خدمت و همکاری تبدیل شود. وقتی زن و مرد عقد

^۴ روم/ ۲۹

^۵ طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۱۸

^۶ ر.ک؛ غلامی، ۱۳۸۴: ۱۶۳-۱۲۷ و رحیمی یگانه، بی تا: ۱۰۲-۹۹

حضرت فاطمه (س) نیز به عنوان یک مادر و همسر، نمونه‌ای از فداکاری و محبت بودند. ایشان به تربیت فرزندان خود اهمیت می‌دادند و سعی می‌کردند آن‌ها را با ارزش‌های اخلاقی و انسانی آشنا کنند. محبت و توجه به نیازهای عاطفی فرزندان، یکی از ویژگی‌های بارز ایشان بود.

این دو بزرگوار با رفتارهای خود، الگویی برای خانواده‌ها در تمام دوران‌ها هستند. زندگی مشترک فاطمه-سلام الله علیها- و علی-علیه السلام-، بهترین الگو برای خانواده‌های مسلمان است. آنان با عشق و صفا و محبت و صداقت با همدیگر زندگی می‌کردند؛ چنان که این سخن عاطفی در آخرین قسمت‌های گفتار حضرت فاطمه نسبت به همسر خویش، گواه این حقیقت است. فاطمه-سلام الله علیها- فرمود: پسرعموی بزرگوارم! هیچ گاه در طول زندگی مرا دروغ گو و خیانتکار ندیدی و از روزی که با تو زندگی مشترک را آغاز کرده‌ام، هرگز با تو مخالفت ننموده‌ام. امام علی-علیه السلام- صادقانه پاسخ داد: پناه بر خدا، ای دختر پیامبر! تو نسبت به خدا داناتر و نیکوتر و پرهیزگارتر و بزرگوارتر از آنی که بخواهم در مورد مخالفت با خود، تو را سرزنش نمایم.^{۴۹}

نمونه‌های از سیره معصومین (ع) در رابطه با خانواده

هم غذا نشدن امام سجاد(ع) با مادر بزرگوارش نمونه‌ای از تکریم والدین از منظر اهل بیت (ع) است. آن حضرت تمایلی نداشت تا با مادرش در یک ظرف غذا بخورد. شخصی پرسید: شما که بهترین مردم در نیکی و احسانید، چرا با مادران غذا نمی‌خورید؟ امام فرمود: دوست ندارم دستم بر غذایی سبقت بگیرد که مادرم آن را اراده کرده است.^{۵۰}

نمونه‌ای از تکریم زنان، همسفر شدن رسول خدا و پیشوایان دین با همسرانشان است. آن بزرگواران برای حفظ حرمت و تکریم انسانی همسرانشان، آنها را در شرایط خاص به سفر می‌بردند. در حین سفر نیز زنان مورد تکریم اهل بیت(ع) قرار می‌گرفتند. رفتارهای عادلانه میان آنها و به همه آنها به اندازه بها دادن و... بیانگر کرامت انسانی آنهاست. رسول خدا(ص) گاه برخی از همسرانش را در برخی سفرها با خود می‌برد. بدین منظور، برای آنکه کدورتی در بین آنان به وجود نیاید، قرعه می‌زدند. روایتی به این مضمون از عایشه نقل شده است: «کان رسول الله إذا أراد سفرأ أقرع بین نسائه فایتھنّ خرج سهمها خرج بها...»^{۵۱}؛ هرگاه رسول خدا اراده سفر می‌کرد، میان همسرانش قرعه می‌لنداخت و نام هرکس بیرون می‌آمد، او رابه همراهش می‌برد.

^{۴۹} فتال نیشابوری، روضۃ الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۱

^{۵۰} الخصال، ج ۲، ص ۵۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۹۷

^{۵۱} بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۳۰۹؛ القصص، جزائی، ص ۱۰

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: علی علیه السلام هیزم می‌آورد، آب مورد نیاز خانه را تأمین می‌کرد و خانه را جارو می‌نمود. حضرت زهرا علیها السلام نیز آرد می‌کرد، خمیر آماده می‌نمود و نان می‌پخت.^{۵۲}

از برخی روایات استفاده می‌شود که حضرت علی علیه السلام بعضی اوقات در کارهایی مانند تهیه آرد و آسیاب کردن نیز به کمک همسرش حضرت زهرا علیها السلام می‌شتافت.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه علی علیه السلام وارد شد، ناگاه مشاهده کرد دختر و دامادش با محبت بی‌نظیر در کنار هم نشسته، و با همکاری به آرد کردن «جو» مشغولند.

پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به آنان فرمود:

اَيُّكُمَا اَعْيَى؛ کدام یک از شما خسته‌تر هستید، تا من به جای او نشسته، کارش را انجام دهم؟

علی علیه السلام فرمود: ای رسول خدا! دختری فاطمه، خسته‌تر است.

آن حضرت کنار دامادش نشست و با هم به دستاس کردن مشغول شدند.

حسن زیّاتِ بصری نقل می‌کند: با یکی از دوستانم خدمت امام باقر علیه السلام رسیدیم. او را در خانه‌ای زیبا، با لباس زیبا در حالی که سرمه کشیده بود، دیدیم. سپس سؤالاتی از آن حضرت نمودیم، ایشان متوجه شد که ما از وضع لباس و خانه آن حضرت شگفت‌زده شده‌ایم. حضرت فرمود: فردا با دوستت نزد من بیا. همان‌طور که حضرت فرموده بود، روز بعد در منزلی که او بیشتر وقت‌ها آنجا تشریف داشت، رفتیم. مشاهده کردیم که در خانه، جز حصیر، چیزی نیست و حضرت لباس زبر و خشن به تن دارد.

حضرت فرمود: دیروز شما پیش من آمدید، در حالی که من در خانه‌ای بودم که مربوط به همسرم بود و آن وسایل موجود در خانه، متعلق به اوست. او خود را آرایش کرده بود که من هم خود را برای او آراسته و مزین نمایم. سپس به من فرمود: شبهه‌ای در ذهنت ایجاد نشود.

گفتم: به خدا سوگند! برایم شبهه‌ای ایجاد شد؛ ولی الآن متوجه شدم حقیقت آن است که شما فرمودید و خداوند، شبهه را از قلبم بیرون نمود.^{۵۳}

در احوالات امام هادی (ع) و فرزند بزرگوارش امام حسن عسکری (ع) آمده است: «امام ابو محمد (ع) بخشی از دوران زندگی خود را با پدر بزرگوارش امام هادی (ع) گذراند و در سفر و حضر از او جدا نبود و پدرش را

^{۵۲} کافی، ج ۵، ص ۸۶، ح ۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۳۶۴۰، باب ۲؛ امالی، طوسی، ج ۲، ص ۲۷۴؛ بحارالانوار،

ج ۴۳، ص ۱۵۱، ح ۷.

^{۵۳} همان، ص ۴۴۸ و ۴۴۹، ح ۱۳

تجسم راستین اخلاق و رفتار جدّش رسول اکرم(ص) می دید که بدان وسیله بر سایر پیامبران امتیاز داشت، همان گونه که در وجود مقدّس وی تمام خصوصیات ذاتی پدرانش را متبلور می دید و از طرفی امام هادی(ع) نیز در وجود فرزندش تبلور خط امامت کبرا و نیابت عظمای پیامبر(ص) را مشاهده می کرد. از این رو به امر تربیت او اهتمام ورزید و فضیلت او را ستوده، می فرمود: «این پسر ام ابو محمّد، خوش استعدادترین فرد آل محمّد(ص) است و استدلال و برهانش استوارتر است و او بزرگ ترین فرزند من و جانشین من است. ردای امامت و احکام ما به او می رسد».^{۵۴}

روایاتی از چگونگی رفتار معصومین علیه السلام با خانواده:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مؤمن همواره خانواده خود را از دانش و ادب شایسته بهره مند می سازد تا همه آنان را وارد بهشت کند».^{۵۵}

حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله: یا علی: خدمت به خانواده، کفاره گناهان کبیره و خاموش کننده خشم خداوند و مهریه حورالعین و زیاد کننده حسنات و درجات است.^{۵۶}
حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله: مؤمن به میل و رغبت خانواده اش غذا می خورد ولی منافق میل و رغبت خود را به خانواده اش تحمیل می کند.^{۵۷}

حدیث امام صادق علیه السلام: خداوند می فرماید: «خود و خانواده تان را از آتش دوزخ حفظ کنید»، گفتند: چگونه خانواده مان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمودند: {به آنچه خدا دوست دارد} امرشان کنید و {از آنچه خدا نمی پسندد} نهی شان نمائید».^{۵۸}

حدیث امام صادق علیه السلام: مرد در خانه و نسبت به خانواده اش نیازمند رعایت سه صفت است هر چند در طبیعت او نباشد: خوشرفتاری، گشاده دستی به اندازه و غیرتی همراه با خویشتن داری.^{۵۹}

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: یا علی: یا علی: به خانواده خود خدمت نمی کند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او می خواهد.^{۶۰}

^{۵۴} شریف قرشی، ۱۳۷۱، ص ۲۸-۲۹

^{۵۵} (مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل ج ۱۲، ص ۲۰۱، ح) ۱۳۸۸۱

^{۵۶} جامع احادیث الشیعه (برجوردی) ج ۲۲، ص ۳۰۶

^{۵۷} کافی (ط-الاسلامیه) ج ۴، ص ۱۲

^{۵۸} کافی (ط-الاسلامیه) ج ۵، ص ۶۲

^{۵۹} تحف العقول ص ۳۲۲

^{۶۰} جامع الاخبار (شعیری) ص ۱۰۳ - بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۱۰۱، ص ۱۳۲

حدیث امام علی علیه السلام: خوش اخلاقی در سه چیز است: دوری کردن از حرام، طلب حلال و فراهم آوردن آسایش و رفاه برای خانواده.^{۶۱}

نتیجه گیری

خانواده‌ها به عنوان واحدهای بنیادی جامعه، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار افراد دارند. دین به عنوان یک عامل مؤثر در زندگی خانوادگی، می‌تواند به تقویت روابط عاطفی، ایجاد ارزش‌های مشترک و تربیت اخلاقی فرزندان کمک کند. با این حال، خانواده‌هایی که دین در زندگی آن‌ها نقش کمرنگی دارد، با چالش‌هایی مواجه هستند که می‌تواند تأثیرات منفی بر روی روابط خانوادگی و تربیت فرزندان داشته باشد.

کمرنگ بودن دین در خانواده‌ها ممکن است به کاهش حس همبستگی و ارتباطات عاطفی بین اعضای خانواده منجر شود. این موضوع می‌تواند به عدم وجود حمایت عاطفی و اجتماعی در زمان‌های سخت منجر شود و در نتیجه، اعضای خانواده در مواجهه با بحران‌ها و چالش‌ها دچار سردرگمی و استرس بیشتری شوند. همچنین، فرزندان در این خانواده‌ها ممکن است با چالش‌هایی در زمینه تربیت اخلاقی و معنوی مواجه شوند و به دلیل عدم وجود آموزه‌های دینی، در انتخاب ارزش‌ها و رفتارهای خود دچار سردرگمی شوند.

همان گونه که آموزه‌های دینی با آموزه‌های غیردینی تفاوت دارد، تربیت دینی نیز از تربیت غیردینی متفاوت خواهد بود. تفاوت‌های این دو نوع تربیت بسیار است. با وجود این، به برخی از تفاوت‌های آنها اشاره می‌کنیم:

الف) به نظر می‌رسد مهم‌ترین تفاوت تربیت دینی با غیردینی، هماهنگ بودن تربیت دینی با فطرت و خواسته‌های فطری انسان است.

ب) تربیت دینی، بر واقع بینی مبتنی است، نه پندار و توهم؛ زیرا همان گونه که گفته شد، دین با فطرت انسان ارتباط مستقیم دارد و فطرت انسانی نیز به حقیقت دعوت می‌کند.

ج) تربیت دینی مبتنی بر اعتدال و میانه روی است و بدون اینکه انسان را از لذت‌های حلال دنیا بازدارد، میان زندگی دنیا و آخرت تعادل برقرار می‌کند.

د) تربیت دینی، حس مسئولیت‌پذیری را به گونه‌ای در انسان پرورش می‌دهد که وی خود را در همه کارهای فردی و اجتماعی، نزد خدا مسئول بداند. مؤمن، با ایمان قلبی خود همیشه خدا را حاضر و ناظر بر

^{۶۱} مجموعه ورام ج ۱، ص ۹۰ - بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۶۸، ص ۳۹۴

رفتارش می بیند. وی بر این باور است که «وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ؛ خداوند بر همه آنچه انسان انجام می دهد، احاطه کامل دارد».^{۶۲}

ز) هدف اصلی تربیت دینی، پرورش روح انسان است و می کوشد مربی را از نظر روحی به خدا نزدیک سازد و سرانجام به مقام قرب الهی برساند. طبیعی است این کار، با تربیت درست و تزکیه نفس امکان پذیر است.

ه) الگو به عنوان یک عامل پیشگیری از انحرافات است. زیرا افراد هم چون ظرف های خالی هستند و به راحتی ممکن است با هر مظلوفی پر شوند. اما هرگاه الگوی صحیح و مقبولی برایشان وجود داشته باشد، در واقع خالی نیستند؛ بلکه مظلوفی مطلوب دارند که دیگر جایی برای امور نامطلوب و کجروی ها باقی نمی گذارد. اسلام الگو های کامل و شایسته به افراد معرفی می کند که با اسوه قرار دادن آن ها روابط افراد خانواده تصحیح می شود و این سبب ماندگاری و پایداری خانواده می شود.

منابع

-قرآن

- اسماعیل اخلاقی، تربیت دینی در عصر مدرن، پگاه حوزه ۱۳۸۸، شماره ۲۵۸،
- بررسی مقایسه های سبک زندگی سالم دینی و غیر دینی، دکتر سیده اسما حسینی
- خانواده و عوامل پایداری آن از منظر قرآن، عنایت الله شریفی، پژوهشنامه معارف قرآنی ۱۳۹۱، ۳،
- محسن قرائتی، پرتویی از نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۳۷۵
- محمد احسانی، تربیت دینی خانواده، معرفت، شماره ۳، بهمن و اسفند ۷۸، ص ۲۷ _
- سیره پیشوایان در رفتار با همسر، عسگری اسلام پور کریمی، فرهنگ کوثر ۱۳۸۲، شماره ۵۹
- سایت شهید آوینی